



## مکتب توسعه انسانی - اجتماعی قرآن به عنوان یک پارادایم

\* احمد بهرامی

\*\* محمدرضا باباخانیان

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۸/۱۵

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۱۰/۲۳

### چکیده:

درک صحیح و تبیین دقیق روابط علی و معلولی میان پدیده‌ها آرزوی متفکران هر عصر و زمان است. ظهور پارادایم‌ها این امکان را فراهم می‌کند تا تلاش آنها منسجم و دستیابی به اهداف سهل‌الوصول شود. پارادایم‌ها با داشتن موضوع و روش تحقیق روشن و قدرت تبیین بالا هدایت‌گر خیل کثیری از دانشمندان است که در زمینه پژوهشی مشغول هستند. پارادایم‌های مبتنی بر تجربه‌گرایی، مطالعات تطبیقی - تاریخی، استدلال‌های عقلی صرف، به دلیل تکیه بر حس و عقل بشر در هدایت محققان به خصوص در تبیین پدیده‌های اجتماعی و دستیابی به تئوری‌های مستحکم ناتوان بوده‌اند. آموزه‌های گسترده توسعه انسانی - اجتماعی قرآن که ریشه در علم بی‌پایان الهی دارد و مبتنی بر حق می‌باشد و در این تحقیق به عنوان یک پارادایم بی‌بدیل مطرح شده می‌تواند نواقص دانش بشری در ارائه تئوری‌های کلان و متقن در تحلیل پدیده‌های اجتماعی را برطرف کند. واژگان کلیدی: قرآن، پارادایم، توسعه انسانی - اجتماعی.

## مقدمه

جریان و نظریه علمی فقط توان توجیه مسائل و پدیده‌های علمی است» (چالمرز، ۱۳۸۱: ۱۱۰).

«یک علم تکامل یافته به‌وسیله پارادایمی واحد نظارت و هدایت می‌شود. پارادایم معیارهای کار پژوهشی مجاز را در درون علمی که ناظر و هادی آن است، تعیین می‌کند. پارادایم فعالیت دانشمندان عادی را، که سرگرم حل معماها هستند، هماهنگ و هدایت می‌کند. موافق نظر کوهن، خصوصیتی که علم را از غیرعلم متمایز می‌کند، وجود پارادایمی است که بتوان یک سنت علم عادی را حفظ کند و استمرار بخشد. پارادایم شامل مفروضات نظری مطرح، شیوه‌های مقبول و مرسوم تطبیق قوانین به چند وضعیت گوناگون، و بعضی اصول بسیار کلی مابعدالطبیعی است که پژوهش درون پارادایم را هدایت می‌کند» (همان: ۱۱۲).

یک پارادایم دارای سه ویژگی اساسی، موضوع صریح و روشن، روش تحقیق مشخص و قدرت تبیین بالا است.

اگرچه عموم نگاه پارادایمی ناظر بر تطور اندیشه بشری در تبیین پدیده‌هاست. اما نگاهی عمیق‌تر به موضوع می‌تواند ما را به این سمت سوق دهد، که جامعه‌شناسی قرآن، که در تحلیل پدیده‌های انسانی - اجتماعی، روش صریح، روشن و قدرت تبیین بالا دارد را به‌عنوان یک پارادایم معرفی کنیم.

## بحث

ظهور پارادایم‌های گوناگون در تبیین پدیده‌های انسانی - اجتماعی و جایگزین شدن پارادایم‌های جدید که قدرت خود را از دست داده‌اند، این حقیقت را به نمایش می‌گذارد که بشریت به‌دنبال پارادایمی می‌گردد، که بتواند مانند چتری بزرگ، مستحکم و قابل اعتماد، نظر و تلاش دانشمندان را در زیر خود جمع کرده، آنها را هدایت کند و لذت کشف روابط علی قابل اعتماد و خدشه‌ناپذیر را به آنها بچشاند و به انسان کمک کند تا جامعه‌ای همراه با صلح و عدالت و دستیابی به رفاه و سعادت و توسعه همگانی، بنا نهد.

رسانس مبنایی بود تا راهی نو و قابل اعتماد را در پیش روی اندیشمندان و جامعه‌شناسان قرار دهد. پوزیتیویسم به‌عنوان یک پارادایم، میوه و ثمره رسانس در محافل علمی بخصوص در علوم انسانی بود که توجه دانشمندان را در شاخه‌های مختلف علوم

میل به توسعه، انسان متفکر و جستجوگر را با دنیایی از رازهای جهانی روبرو کرده است. شاید مشاهده اولین ابزار رمزگشایی و افناعت ذهنی برای وی بود؛ اما تعدد و کثرت مشاهده‌ها او را دچار سردرگمی کرده و نتیجه‌گیری و تبیین پدیده‌ها را برای او مشکل کرد، او باید فراتر از شیوه استقراء گام برمی‌داشت، باید قیاس را نیز به مدد می‌گرفت، چارچوب‌هایی را تدوین می‌کرد، تا هم ابزاری برای مشاهداتش باشد و هم مشاهداتش در آن چارچوب‌ها معنا یابد. اینجاست که نظریه‌ها ظهور می‌یابند و اندیشه‌ها در پرتو آنها جهت‌دار بسوی تبیین پدیده‌ها حرکت می‌کنند.

این نظریه‌ها بسته به موضوع، روش و قدرت تبیین متفاوت بوده، گاهی یک نظریه چنان قدرت تبیین پیدا می‌کند که می‌تواند هدایت‌گر خیل کثیری از دانشمندان در یک زمینه پژوهشی شود و خود را به‌عنوان یک پارادایم به دنیای اندیشه معرفی نماید.

«اصطلاحی که نخستین مرتبه به‌وسیله توماس کوهن در کتاب «ساختار انقلاب‌های علمی» به کار رفت، کوهن کوشید تا درباره علم نظریه‌ای طرح کند که با واقعیات تاریخی، آنگونه که او می‌بیند توافق داشته باشد. ویژگی عمده نظریه وی تأکیدی است که بر ممیز انقلابی پیشرفت‌های علمی دارد؛ به‌طوری که موافق آن، انقلاب متضمن طرد و رد یک ساختار نظری و جایگزینی آن ساختار با ساختار ناسازگار دیگری است. مطابق تعریف کوهن، در هر دوره‌ای از تاریخ علم، جریانی منسجم و یکپارچه که از اصول و قوانین علمی نزدیک به هم بهره می‌برند، حاکم بر فضای علمی آن دوره است و هرگاه این جریان منسجم به هر دلیلی توانایی خود را در تبیین و پاسخگویی به مسائل جدید و مستحدثه علمی از دست بدهد، پارادایم دیگری - که توانسته مدل منسجم و کاملی برای تبیین و توجیه نظام‌مند مسائل علمی ارائه کند - جایگزین آن خواهد شد. برای نمونه فیزیک ارسطو به لحاظ ناتوانی از درک و فهم مسائل جدید فیزیکی جای خود را به فیزیک نیوتنی داد.

نکته مهم در رویکرد پارادایمی به علوم، خاصیت غیر انباشتگی علم است که نشان می‌دهد در هر پارادایم صرفاً یک‌سری قضایای علمی مرتبط با هم هستند که به صورت یک الگوی تبیین شده مورد استفاده دانشمندان قرار می‌گیرد و در پارادایم بعدی همه چیز دوباره از صفر شروع می‌شود و ملاک قدرت و ضعف یک

ابزار قوی‌تری در اختیار داشتند و محدودیت‌های جامعه‌شناسان پوزیتویسم و جامعه‌شناسان انتقادی را نداشتند و از طرف دیگر متوجه تمایز اساسی میان پدیده‌های اجتماعی و پدیده‌های طبیعی شده بودند بهتر می‌توانستند در مسیر شناخت و راه‌یابی به اصول و ارائه راهکارهای عملی در جهت تحقق جامعه مطلوب حرکت کنند. مدینه فاضله افلاطون، جامعه مطلوب ارسطو و اتوپای توماس مور و... نشان از ارائه راهکارهای عملی در تحقق جامعه مطلوب است.

اما آنچه مسلم است نه پارادایم مبتنی بر عقل عملی و استدلال‌های عقلی و نه دانش تجربی و مطالعات تاریخی - تطبیقی، هیچکدام نتوانسته در شناخت انسان و جامعه انسانی آنگونه که حق شناخته شده است، نائل آیند و به طریق اولی در تعیین سعادت و راه‌های رسیدن به آن ناکارآمدتر خواهند بود، تجربه تاریخی، ظهور و سقوط ایسم‌های گوناگون که برگرفته از این سه روش شناخت فوق بوده، ناکامی بشر در شناخت پدیده‌های اجتماعی و رساندن جوامع به سعادت و کمال مطلوب را به نمایش می‌گذارد و پایان خوشی را برای بشریت رقم نزده است.

به‌طوری که امروز شاهد بحران‌های متعدد اقتصادی - اجتماعی هستیم، بحران‌هایی که میلیون‌ها انسان را به کام مرگ کشانده است و می‌رود تا آینده‌ای تاریک برای آمل لیبرال دموکراسی غرب رقم زند.

«ژوزف استیگ لیتز اقتصاددان و برنده جایزه نوبل در دانشگاه کلمبیا در نوشتاری به بررسی بحران‌های اخیر در آمریکا پرداخته و نوشته است: زمانی مردم سراسر جهان ما را به‌خاطر اقتصادمان مورد تحسین قرار می‌دادند و ما نیز به آنها می‌گفتیم در صورتی که می‌خواهند مانند ما باشند، تنها کاری که باید انجام دهند سپردن قدرت به دستان بازار است. نکته مورد نظر این است که در حال حاضر و با توجه به بحران ایجاد شده، دیگر هیچ‌کس برای آن نوع از الگوسازی احترام قائل نیست و البته این بحران به طرح سؤالاتی در مورد قابلیت اعتماد و اطمینان نسبت به ما منجر شده است. در زمان حاضر همه کشورها فکر می‌کنند که بخاطر ما دچار بحران شده‌اند.

آنتونی فایولا، یادداشت‌نویس روزنامه واشنگتن پست نیز با

اجتماعی به‌خود جلب کرد و هدایت‌گر تلاش آنها در دستیابی به قوانین اجتماعی بود. موفقیت‌های پی در پی آن در علوم تجربی دانشمندان علوم انسانی را به این باور رساند که قوانین حاکم بر جامعه مانند قوانین حاکم بر طبیعت به شیوه تجربی قابل دسترسی است، «این اندیشه بر دو اصل اساسی تأکید می‌کرد: اول اینکه هر شناخت اصیل باید از روش علوم تجربی استفاده کند و هر دانش عینی محدود به واقعیت موجود است و به هیچ زیربنای فلسفی نیاز ندارد.

دوم اینکه جامعه انسانی براساس قوانینی بنا شده است که همانند قوانین طبیعی است.» (توسلی، ۱۳۷۶: ۵۱).

اندیشمندان پوزیتویسم، که گویا پیامبرگونه بر قله علم قرار گرفته و خود را هدایت‌گر تحقیقات توسعه انسانی - اجتماعی جوامع می‌دیدند. بهشتی را به بشریت معرفی می‌کردند که پایان آن نظام سرمایه‌داری غرب است. تولید انبوه، رفاه اقتصادی، اجتماعی، میوه‌های این بهشت است که به سالکان آن داده می‌شود. تأکید بی‌اندازه در اصل بی‌طرفی و بی‌نظری در مطالعات اجتماعی از طرف جامعه‌شناسان پوزیتویسم و تبدیل کردن مطالعات آنها به گزارش‌دهی صرف - که خود تأیید وضع موجود و تثبیت نظام استکباری را به‌دنبال داشت - عاملی شد تا ناکارآمدی این اندیشه را در شناخت و ارائه طریق و رساندن انسان به سعادت به نمایش بگذارد.

از طرف دیگر جامعه‌شناسان انتقادی که شیوه مطالعه پوزیتویسم را ناکارآمد می‌دانستند با فاصله گرفتن از شناخت تجربی و روی آوردن به مطالعات تطبیقی و تاریخی به‌دنبال سطوح دیگری از علم می‌گشتند که توان داوری ارزشی و هنجاری داشته باشد و بتواند راهی نو در فراسوی انسان قرار دهد، اما از آن جهت که در عمل، معیار و میزانی فراتر از محصولات اجتماعی و تاریخی انسان، که معتبر برای همگان باشد در اختیار نداشتند، از ارائه طریقی که بر حقیقتی ثابت و اصولی پایدار در جهت رساندن جوامع به سعادت تأکید ورزد، ناتوان ماندند.

در مقابل این دو گروه متفکرانی قرار داشتند؛ که در مباحث خود برای عقل و استدلال‌های عقلی نیز جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفتند و در کنار عقل نظری در زمینه عقل عملی به باید‌ها، نبایدها و احکام ارزشی به استدلال نشستند. آنها از این جهت که

این وصف کافی است تا دریابیم که قرآن یک کتاب ساده مذهبی که عده‌ای مناسک‌گرا برای آن احترام خاصی قائلند و آن را مانند یک شئی دارای قدرت جادویی که مسافران را از خطر حفظ می‌کند و موجب خوش‌یمن بودن زندگی نوعروسان می‌گردد، نیست. اگر هرچیز جز وجود حق عدم است و اگر آفرینش با تمام قوانینش جلوه و تجلی ذات باری تعالی است و اگر قرآن همان کتاب حقی است که خداوند با تمام صفاتش در آن تجلی یافته، باید بپذیریم که حقیقت قرآن وجودی است که دربرگیرنده و آئینه تمام‌نمای آفرینش و قوانین آشکار و پنهان آن است. در این میان آن‌چه از ظاهر آیات الهی برمی‌آید این است که خداوند با بیان سنت‌های الهی و محور قراردادن انسان به‌عنوان عصاره آفرینش و بیان ویژگی‌ها، هدف، روابط پیچیده او با خود، دیگران، طبیعت و خداوند، در این کتاب مقدس، عظمت آن را به صاحبان عقل و خرد نشان می‌دهد.

خداوند در تحقیر و ناکارآمدی دانش انسان که به علم الهی متکی نیست می‌فرماید:

قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تُخْرِصُونَ (انعام، آیه ۱۴۸) قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (انعام، آیه ۱۴۹)

بگو آیا نزد شما دانشی هست که آن را نزد ما آشکار کنید، شما صرفاً از پندار پیروی می‌کنید و جز این نیست که به گزاف و حدس سخن می‌گویید. بگو برهان روشن و رسا مخصوص

خداست ...  
حرکت با قرآن در وادی علم و دانش به‌خصوص در علوم انسانی و جامعه‌شناسی، یعنی راست قامت در صراط مستقیم حرکت کردن. همانگونه که خدا فرمود:

أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (ملک، آیه ۲۲)

آیا کسی که به صورت بر زمین راه می‌رود هدایت یافته‌تر است، یا کسی که راست قامت در صراط مستقیم گام بر می‌دارد.

امام علی (ع) می‌فرماید: «الا ان فيه علم ما يأتي والحديث عن الماضي و دواء دائكم و نظم ما بينكم (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸). هان، علم آینده و حدیث گذشته و دواى درد شما و نظم روابط اجتماعی شما در قرآن است.

اشاره به بحران اخیر در بازارهای مالی و پولی آمریکا و گسترش آن به اروپا و آسیا می‌نویسد: بدترین بحران مالی از هنگام دوران رکود اقتصادی تلفات دیگری را می‌طلبد و این تلفات چیزی نیست جز از بین رفتن نظام سرمایه‌داری به سبک آمریکایی آن.» (پارس تاجران، ۱۳۸۷)

به فرموده قرآن: مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ (بقره، آیه ۱۷) «مثل آنها مانند مثل کسی است که به زحمت آتشی بیفروخت و همین که اطراف وی را روشن ساخت، خداوند نورشان را برد و در تاریکی‌ها رهایشان کرد».

پارادایم‌های جامعه‌شناسی مبتنی بر تجربه، عقل و مطالعات تطبیقی - تاریخی در یافتن حقیقت پدیده‌های اجتماعی و ارائه تئوری‌های فراگیر و راهکارهای عملی مطمئن با چالش جدی روبرو هستند. نیاز ظهور رنسانسی دیگر و ظهور پارادایمی مستحکم، روز به روز بیشتر احساس می‌گردد. پارادایمی که در هدف و روش تحقیق متمایز باشد و بتواند پدیده‌های اجتماعی در سطح خرد و کلان را به‌درستی تبیین کند.

توجه به جامعه‌شناختی قرآن، رنسانس و بازگشتی به فطرت بشر و آیینی است که بر آن استوار شده است. این رنسانس پارادایمی را در پیش روی بشریت و عالمان اجتماعی قرار می‌دهد که از نظر ماهیتی متفاوت از آن چیزی است که تاکنون به آن مشغول بوده‌اند.

شهید محمدباقر صدر در رابطه تعیین و احراز تئوری‌های منتج از آموزه‌های الهی می‌فرماید: «امروزه تعیین و احراز تئوری‌های زیربنایی اسلام یک ضرورت اصلی و جدی است که نمی‌توان خود را نسبت به آن بی‌نیاز انگاشت.» (صدر، ۱۳۶۹: ۶۳)

این پارادایم چیزی جز دانش‌پژوهی انسانی - اجتماعی، با محوریت قرآن نیست، کتابی که اسرار آفرینش و از آن جمله اسرار پیچیده، و شگفت‌آور زندگی اجتماعی که هرگز نمی‌توان به‌وسیله عقل و تجربه به آن دسترسی پیدا کرد، در آن نهفته است.

امام خمینی در اول وصیت‌نامه سیاسی، الهی خود در توصیف قرآن می‌فرماید: الذی تجلی فی‌الاحدیة بجمیع اسمائک حتی المستائر منها الذی لا یعلمه غیرک (علیزاده، ۱۳۸۳: ۱۶)

بین می‌رود و بزودی این کتاب توصیف‌ناپذیر عالم را به خود جلب می‌کند و تأثیر عمیقی در علم و دانش جهان می‌گذارد و سرانجام محور افکار مردم جهان می‌گردد. هم او می‌گوید ما ابتدا از قرآن روی گردان بودیم؛ اما طولی نکشید که این کتاب توجه ما را به خود جلب کرد و ما را دچار حیرت ساخت تا آنجا که در برابر اصول و قوانین علمی و بزرگ آن سر تسلیم فرود آوریم (مکارم، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۸).

هر پارادایمی می‌طلبد برای سامان دادن و منسجم کردن افکار دانشمندانی که در زیر چتر آن به تحقیق می‌پردازند دارای موضوع و روش تحقیق و هدف مشخص و قدرت تبیین بالا باشد. جامعه‌شناسی قرآن را از این جهت می‌توان به عنوان یک پارادایم مطرح کرد که دارای ویژگی‌های فوق است.

#### موضوع

موضوع در پارادایم جامعه‌شناختی قرآن، انسان و جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی و قوانین حاکم بر آن است. در آیات متعدد قرآن به بیان قوانینی که بر زندگی فرد و اجتماع حاکم است پرداخته می‌شود. قوانینی که بیان کننده یک رابطه علت و معلولی بین پدیده‌های اجتماعی است که از آن با عنوان سنت‌های الهی تعبیر می‌شود، که سنت‌هایی که هیچ‌گونه تبدیل و تحویلی در آنها رخ نمی‌دهد. *سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجْدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا* (فتح، آیه ۲۳) سنت الهی از پیش همین بوده و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت.

تفاوت این قوانین با قوانینی که به شیوه‌های گوناگون و به وسیله عالمان اجتماعی کشف می‌شود، این است که قوانین کشف شده به وسیله انسان، به خصوص با رویکرد کمی‌گرایی جامعه‌شناسان، با در نظر گرفتن مقداری احتمال خطا (۱/۰ تا ۵/۰) ارائه می‌شود. ولی قوانین الهی به دلیل اینکه منتسب به علم الهی است و علم الهی منطبق بر حق است. هیچ‌گونه احتمال خطایی در آنها وجود ندارد. ضمن اینکه قوانینی که به وسیله قرآن مطرح می‌شود، جامع و در برگیرنده ابعاد اساسی و ضروری زندگی انسان می‌باشد و بدون هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای سعادت و کمال انسان و جامعه بشریت را تضمین می‌کند و مانند نوری تابناک، فراری او قرار می‌گیرد. قرآن کریم در این رابطه

یا فرمود: *ثم أنزل عليه الكتاب نوراً لا تطفأ مصابيحها، و سراجاً لا يخبو توقده، و بحرّاً لا يدرک قعره، و منهاجاً لا يضل نهجه، و شعاعاً لا يظلم ضوءه، و فرقاناً لا يخذم برهانه و تبياناً لا تهدم أركانه ... و هو معدن الايمان وحبوحه، و ينابيع العلم و بحوره* (نهج البلاغه، ۱۳۷۲: ۲۳۴).

پس فرو فرستاد بر او قرآن را، نوری که چراغ‌های آن فرو نمی‌میرد و چراغی که افروختگیش کاهش نمی‌یابد و دریایی که ژرفای آن کس نداند و راهی که پیمودنش رهرو را به گمراهی نکشاند و پرتویی که فروغ آن تیرگی نگیرد و فرقانی که نور برهانش خاموش نشود و تبیینی که ارکانش ویرانی نپذیرد، پس قرآن معدن ایمان است و میانجی آن و چشمه‌سار دانش است و دریای آن.

کارلایل مورخ و دانشمند معروف انگلیسی درباره قرآن می‌گوید: اگر یک بار به این کتاب مقدس نظر افکنیم حقایق برجسته و خصایص اسرار وجود طوری در مضامین جوهره آن پرورش یافته که عظمت و حقیقت قرآن به خوبی از آن نمایان است و این خود مزیت بزرگی است که فقط به قرآن اختصاص دارد و در هیچ کتاب علمی، سیاسی و اقتصادی دیگر دیده نمی‌شود، بلی خواندن برخی از کتاب‌ها تأثیرات عمیقی در ذهن انسان می‌گذارد، ولی هرگز با تأثیر قرآن قابل مقایسه نیست و از این جهت باید گفت: مزایای اولیه قرآن و ارکان اساسی آن مربوط به حقیقت و احساسات پاک و عناوین برجسته مسائل و مضامین مهم آن است، که هیچ‌گونه شک و تردیدی در آن راه نیافته و پایان تمام فضایل را که موجد تکامل و سعادت بشری است در بر داشته و آنها را بخوبی نشان می‌دهد (مکارم، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۳۸).

گوته شاعر و دانشمند آلمانی می‌گوید: قرآن اثری است که بواسطه سنگینی عبارت آن خواننده ابتدا رمیده می‌شود و سپس مفتون جاذبه آن می‌گردد و بالاخره بی‌اختیار مجذوب زیبایی‌های متعدد آن می‌شود.

و در جای دیگر می‌نویسد: سالیان طولانی کشیشان از خدا بی‌خبر ما را از پی بردن به حقایق قرآن مقدس و عظمت آورنده آن محمد(ص) دور نگه داشته بودند؛ اما هر قدر که ما قدم در جاده علم و دانش گذارده‌ایم پرده‌های جهل و تعصب نابجا از

می فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا (نساء، آیه ۱۷۴)

ای مردم در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده ایم فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا (نساء، آیه ۱۷۵)

و اما کسانی که به خدا گرویدند و به او تمسک جستند، به زودی [خدا] آنان را در جوار رحمت و فضلی از جانب خویش درآورد و ایشان را به سوی خود به راهی راست هدایت کند.

### روش شناخت

مکتب جامعه‌شناسی قرآن ضمن اینکه به مشاهده‌های حسی و استدلال‌های عقلی عنایت ویژه‌ای دارد و پیروان خود را به شناخت جهان آفرینش و سنت‌ها و قوانین آن از طرق فوق راهنمایی می‌کند؛ اما در کشف روابط پیچیده انسانی و زندگی اجتماعی و تبیین کمال انسان و جامعه، تجربه و استدلال عقلی را ناکارآمد می‌داند و کسانی را که با ظن و گمان خود و بدون تمسک به قرآن به ارائه طریق و طرح‌ریزی نظام ارزشی و هنجارهای اجتماعی اقدام می‌کنند و به جوامع، هدف و راه نشان می‌دهند، به شدت مورد توبیخ قرار می‌دهد و یافته‌هایشان را افترا و دروغی بیش نمی‌داند؛ می‌فرماید:

وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (یونس، آیه ۶۰)

و کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند روز رستاخیز چه گمان دارند در حقیقت خدا بر مردم دارای بخشش است؛ ولی بیشترشان سپاسگزاری نمی‌کنند و نتیجه این افتراء را در آیه ۱۷ همین سوره اینگونه معرفی می‌نماید:

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ (یونس، آیه ۱۷)

پس کیست ستمکارتر از آن کس که دروغی بر خدای بندد یا آیات او را تکذیب کند به راستی مجرمان رستگار نمی‌شوند.

در پارادایم قرآن، قوانین توسعه پایدار، قوانین الهی است، قرآن معتقد است که حکم منحصرأ حق خداست و احدی از خلق حق تشریح و قانونگذاری در اجتماع انسانی را ندارند. خداوند

می‌فرماید: «ان الحكم الا الله» (یوسف، آیه ۴۰)

«همه احکام دیگر که ماورای حکم خداست، باطل است و انسان را جز به هلاکت و بدبختی نمی‌کشاند و جز به عذاب دوزخ به جای دیگر رهبریش نمی‌کند.» «حکم چون تنها حق خداست هر حکم دیگری که در بین مردم رواج دارد یا حقیقتاً حکم خداست و به‌وسیله وحی و رسالت از ناحیه او اخذ شده است و یا حکمی است که بر خدا بسته‌اند» (طباطبایی، ج ۱۰: ۱۳۹).

و در آیه دیگر اشاره به لم این مطلب کرده می‌فرماید فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (روم، آیه ۳۰)

پس تو ای رسول مستقیم رو به جانب آیین پاک اسلام آور و پیوسته از طریق دین خدا که فطرات خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا صورت نمی‌گیرد، این است آیین استوار حق، ولی اکثر مردم از حقیقت آن آگاه نیستند. این آیه توضیح می‌دهد معنای اینکه حکم منحصر به خداست، این است که تکیه بر فطرت و خلقت دارد و منطبق بر فطرت است و با آنچه دستگاه آفرینش و خلقت گویای آن است مخالف نیست. زیرا خدا خلق را به عبث نیافریده و می‌فرماید: أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (المومنون، آیه ۱۱۵) یا پنداشتید که شما را بی‌هوده آفریده‌ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید.

و بلکه خلقت مردم برای اغراض الهی و اهداف کمالی است که مردم بر حسب ساختمان وجودی خود بدان متوجه بوده، بر حسب فطرت خود به‌وسیله اسباب و ادواتی که مجهز به‌آند و با راه همواری که خداوند در برابرشان قرار داده به طرف آن رهسپارند.

پس تنها احکام و قوانینی برای انسان قطعیت دارد که عالم آفرینش، آدمی را به سوی آن فرا می‌خواند، چه آنکه انسان جزئی کوچک از این عالم است و دستگاه خلقت وجود او را مجهز به جهازی کرده که به مرحله کمال سوق دهد. پس این آفرینش گسترده و فراگیر که اجزای آن به هم پیوسته و مرکب اراده خدای حق تعالی است، حامل قانون فطری انسانی و دعوت‌کننده به دین حنیف خداست.

که در آغاز این هجرت نور ایمان و معرفت درخشش می‌گیرد و رفته رفته قوی‌تر می‌شود و روح قدسی متولد می‌گردد و در پرتو آن اسرار زمین و آسمان برای صاحب روح قدسی نمایان می‌شود، چنان که با نور حسی جهان محسوس نمایان می‌گردد. با این بیان که ارواح و قلوب آدمی به حسب فطرت اصلی شایستگی قبول نور حکمت و ملکوت را دارد و استعداد تعلم اسماء الهی به وی موهبت گردیده. حجاب ضخیم خودبینی و خودخواهی و حجب و معصیت و کفر است که ارواح و قلوب را تاریک و احیاناً فاسد می‌کند و هر نفس که از جاذبه طبع ماده و ظلمات هوا و هوس آزاد شد و متوجه شطرحق و قبله ملکوت گردید، سر ملکوت بر او تجلی می‌کند و قدس لاهوت بر وی منعکس می‌گردد و عجایب حق تعالی را مشاهده می‌کند و معارف قرآنی را از آن مدارج تلقی می‌نماید، تلقی که هیچ‌گونه اشتباه و خطایی در آن راه ندارد» (گیلانی، ۱۳۷۶: ۳۴).

بنابراین به هر اندازه که جامعه نیازمند قوانین عمیق‌تر و ظریف‌تری باشد، عالمان اجتماعی آن باید آمادگی بیشتری برای دریافت حقایق قرآنی داشته باشند.

این نکته لازم به ذکر است که در این پارادیم روش‌های تجربی، کاربردی و استدلال‌های عقلی به کلی کنار گذاشته نمی‌شود؛ بلکه تأکید بر دریافت تئوری‌های کارآمد و دقیق از آیات قرآنی است. از این‌رو نام پارادیم بر این نوع شناخت ناظر بر همین نکته مهم است.

#### هدف:

ساختار هر پارادیمی در علوم انسانی ناظر بر یک هدف یا اهدافی است که تمام تلاش‌ها در چارچوب آن پارادیم به سوی آن در حرکت است، این اهداف، می‌تواند: «مال و ثروت، مقام‌جویی و شهرت‌طلبی، عشق و زیبایی، رفاه و آسایش، خوشگذرانی و لذت‌جویی» (نصری، ۱۳۸۲: ۷۳)، بهره‌گیری بهتر از امکانات طبیعی و... باشد. تئوری متقن در پارادیم انسان‌شناسی قرآن «...إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، آیه ۱۵۶) ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم؛ است که حیات انسان را در یک سیر تکاملی طولی ترسیم می‌نماید.

پارادیم قرآن تقرب به الله، که همان کمال و سعادت انسان

از دیدگاه قرآن حکمت خدا اقتضا دارد که انسان را در رساندن به کمال دچار سرگردانی نکند و حجت را بر وی تمام نموده، راه هموار و روشنی را در پیش او قرار دهد.

عوامل متعددی از جمله وجود اراده و اختیار انسان سبب شده، زندگی و قوانین حاکم بر پدیده‌های اجتماعی وی، دارای پیچیدگی زیادی باشد، که به راحتی به وسیله تجربه و استدلال‌های عقلی انسانی که از نظر قرآن از علم بهره بسیار کمی دارد «وَمَا أُوتِيتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (الإسراء، آیه ۸۵) و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است» قابل کشف نباشد. از این رو مجموعه قوانینی که بر زندگی فردی و اجتماعی انسان حاکم است در کتب آسمانی و قرآن که کامل‌ترین این کتب است، به وسیله پیامبر در اختیار بشر قرار داده می‌شود. بیشترین وظیفه عالمان اجتماعی در یافتن و تدوین تئوری‌های اجتماعی، مطالعه عمیق قرآن و دریافت این سنن و بکارگیری آنها و قراردادن جریان‌های اجتماعی در میسر آنهاست.

از این رو عمده روش تحقیق بررسی پدیده‌های اجتماعی در بستر جامعه به شیوه تجربی و یا حتی استدلال‌های عقلی نیست، بلکه کشف و استنباط این قوانین از قرآن می‌باشد. البته باید توجه داشت که قرآن یک کتاب ساده مانند سایر کتب نیست؛ بلکه دارای متون متعددی است که کاوشگر در آن، با قلبی پاک، چشمی بینا و گوش‌های شنوا باید برای ورود به هر بطنی از آن آمادگی لازم روحی و علمی را داشته باشد که البته این مهم بدون تزکیه و مراقبت از قلب حاصل نمی‌شود.

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ، لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ، تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (الواقعه، آیه ۷۷ الی ۸۰) که این [پیام] قطعاً قرآنی است ارجمنند، در کتابی نهفته که جز پاک‌شدگان بر آن دست ندارند، وحی است از جانب پروردگار جهانیان.

«از پیامبر اکرم(ص) روایت شده: ان للقرآن ظهرا و بطناً و لبطنه بطناً الی سبعة ابطن براساس این حدیث، قرآن مانند انسان منقسم می‌شود به سر و عنق و مراتب سر و باطن قرآن مانند مراتب سر و باطن انسان است که به نفس، صدر، قلب، عقل و روح و خفی و اخفی منقسم شده است و عروج به این مدارج باطن مشروط به تجرد انسان از طبیعت و مهاجرت از بیت قالب و تن به سوی خدای تعالی به قصد مشاهده آیات کبرای الهی است

آیه ۱۹۷)، (رعد، آیه ۲۶)، (غافر، آیه ۳۹) یاد می‌کند.

### نتیجه‌گیری

بدون هیچ تردیدی دانش بشری در بستر تاریخ، رشد فراوانی داشته است و توانسته، پاسخ‌گوی سؤالات عدیده‌ای بوده که انسان با آن روبه‌رو می‌باشد ظهور تئوری‌های خرد و کلان و پارادایم‌هایی با برد زمانی کوتاه و بلند همه حاکی از توسعه دانش بشری است. در زمینه علوم طبیعی و علوم عقلی موفقیت‌هایی بسیاری عاید شده است و به‌خصوص علوم تجربی توانسته تا حد زیادی طبیعت را به تسخیر انسان درآورد.

اما یکی از معضلاتی که دانشمندان تجربه‌گرا و عقل‌گرا با آن روبرو هستند تبیین پدیده‌های انسانی و اجتماعی و ارائه تئوری‌های متقن در این زمینه است. تحلیل و تبیین روابط علی و معلولی پدیده‌های انسانی به‌واسطه آگاهی، اراده و اختیار وی، در نگاه اول ساده به نظر می‌رسد، اما در عمل سختی کار به‌وضوح روشن و آشکار می‌گردد.

ناکارآمدی اندیشه‌های عقل‌گرا از یک طرف و اندیشه‌های تجربه‌گرا به‌خصوص پوزیتویسم با تمام هیمنه‌اش از طرف دیگر ذهن خاضع و حق‌طلب دانشمندان حق‌جو را متوجه خلأ موجود در علم بشری و روی آوردن به علم الهی در درک پدیده‌های اجتماعی و دست‌یابی به تئوری‌های متقن نموده است.

آموزه‌های توسعه انسانی - اجتماعی قرآن می‌تواند پاسخگوی این نیاز مبرم و حیاتی اندیشمندان اجتماعی باشد.

قرآن کریم در این زمینه با محور قرار دادن انسان و زندگی اجتماعی او و بیان روابط علت و معلولی در قالب سنت‌های الهی، پارادایم بی‌بدیلی را پیش روی بشریت قرار می‌دهد که در هدف و روش تحقیق و پرورش محققان، ماهیتی متمایز از سایر پارادایم‌ها دارد. این پارادایم تنها راه دریافت سنت‌های مبتنی بر حق و کسب تئوری‌های متقن انسانی - اجتماعی را مراجعه به قرآن می‌داند و قرآن را حکمت بالغه معرفی می‌کند و از طرف دیگر دانشمند و جامعه‌شناس قرآنی را برای درک هر چه بهتر سنت‌های الهی، علاوه بر کسب علم و دانش به تزکیه نفس فرامی‌خواند و این دو را لازم و ضروری هم می‌داند. فرمود: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (جمعه، آیه ۲).

است را مهمترین هدف توسعه معرفی می‌کند. «کمالی که همه انبیاء و اولیای الهی علیهم السلام بدان معتقد بوده و مردم را به سوی آن دعوت می‌کردند و آن را تنها وسیله نجات از عذاب الهی و رسیدن به سعادت ابدی می‌دانند» (طاهری، ۱۳۸۴: ۶۰).

این تقرب قراردادی نیست؛ بلکه واقعی و عینی است، یعنی انسان در سیر به سوی خدا در مراتب هستی بالا می‌رود و به جهت تحصیل کمالات بر سعه وجودی او افزوده می‌شود. نزدیکی به خدا از سنخ نزدیکی‌هایی که ما در جهان طبیعت درک می‌کنیم نیست؛ بلکه حقیقتی بسیار بزرگ است که در کنه آن جز برای آنکه بدان مرحله رسیده، ممکن نیست.

«تکامل به معنای واقعی چون از ماده کمال است، یک مفهوم مشکک است و اگر یک تشکیک در عالم وجود نداشته باشد که یک حقیقت با حقیقت دیگر ما به الاشتراکشان عین مابه‌الامتیازشان باشد، اصل کمال و نقص معنا ندارد، کمال و نقص این خصوصیت را دارند که نسبتشان با یکدیگر به این نحو است که مابه‌الاشتراکشان عین مابه‌الامتیاز است. تکامل این است که شی یک چیزی را دارد و بعد در همان که دارد افزایش پیدا می‌کند، نه اینکه دارای چیزی می‌شود در کنار آن» (مطهری، ۱۳۶۳: ۲۴۷).

در این پارادایم رفاه مادی، بهره‌گیری بهتر از امکانات طبیعی، قدرت و... ابزار و وسیله‌ای برای دست‌یابی به تقرب به خدا می‌باشد. از این رو پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: الدنيا مزرعه الاخره (ابن ابی فراس، ۱۳۶۹، ج ۱: ۳۴۳)؛ دنیا کشتزار آخرت است.

این پارادایم انسان را محدود به جسم و نیازهای جسمانی او آن‌گونه که در مکاتب اومانیستی مطرح می‌شود نمی‌داند و در آیات متعددی خداوند حیات دنیوی را در صورتی که هدف لحاظ گردد، با واژه‌هایی همچون لهو و لعب، معرفی نموده: وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (عنکبوت، آیه ۶۴)، این زندگانی دنیا افسوس و بازیچه‌ای نیست و زندگانی حقیقی دار آخرت است، اگر مردم بدانند.

و در مقایسه با حیات جاویدی اخروی از آن به «متاع قلیل» (نساء، آیه ۷۷)، (توبه، آیه ۳۸)، (نحل، آیه ۱۱۷)، (آل عمران،



- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۳). وصیت‌نامه سیاسی الهی، تهیه و تدوین، علیزاده، ذبیح‌الله، انتشارات فردوس.  
- صدر، محمدباقر. (۱۳۶۹). سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ترجمه: حسین منوچهری، انتشارات نشر فرهنگی رجا.  
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۶۷). تفسیر المیزان، جلد دهم، ترجمه: محمدجواد حجتی کرمانی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی قم.  
- طاهری، حبیب‌الله. (۱۳۸۴). اخلاق اسلامی یا آداب سیر و سلوک، دفتر انتشارات اسلامی قم.  
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). تفسیر نمونه، جلد اول، انتشارات: دارالکتب الاسلامیه تهران.  
- محمدی گیلانی، محمد. (۱۳۷۶). اسم مستتر، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.  
- نصری، عبدالله. (۱۳۸۲). فلسفه آفرینش، انتشارات نشر معارف قم.  
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۲). سیری در نهج‌البلاغه، انتشارات صدرا قم.  
- پارس تاجران الکترونیک، ۲۳ مهر ماه ۱۳۸۷ [www.parstajeran.com](http://www.parstajeran.com)

اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و (آنان) قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

#### منابع:

- قرآن مجید  
- امام علی (ع). (۱۳۷۲). نهج‌البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی تهران.  
- ابن ابی فراس، ابوالحسن ورام. (۱۳۶۹). مجموعه ورام، ترجمه محمدرضاعطایی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.  
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی. انتشارات مهر. قم.  
- چالمرز، آلن اف. (۱۳۸۱). چیستی علم، ترجمه: سعید زیباکلام، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، تهران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی